

## معرفی لباس اقوام مادی و پارسی بر اساس مدارک تصویری به جای مانده از این اقوام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵

کد مقاله: ۱۳۸۱۲۶

سید علی اکبر سیدی<sup>۱</sup>

### چکیده

لباس پس از تغذیه و بهداشت سومین دغدغه و نیاز انسان در طول تاریخ بوده است. مطالعات به خوبی روشن نموده است که انسان‌ها همواره از پوشاک خویش به عنوان یک رسانه که معرف باورها و رسوم آن‌ها باشد سود برده‌اند. در این مقاله سعی بر این است تا لباس اقوام مادی و پارسی بر اساس تصاویر بجای مانده از آن‌ها مورد مطالعه و معرفی قرار گیرد و احیاناً وام‌گیری‌هایی که در لباس آن‌ها از یکدیگر وجود دارد معرفی شوند. در این بین طبیعی است که ویژگی‌های فرمی، تزئینی و رمزی لباس آن‌ها نیز بیان شود. به نظر می‌رسد عمده‌ترین اختلاف موجود در لباس آن‌ها، به علت تأثیر عوامل جغرافیایی و ویژگی‌های زیستی آن‌ها است. خوانش تصاویر به جای مانده از آن دوران شیوه‌ای است که ما را به هدف مطالعه راهنمایی می‌کند. خوانشی که توسط دیگران انجام شده و یا توسط نگارنده به انجام می‌رسد. این شیوه مطالعه، توسط افراد مختلف در طول زمان به انجام رسیده و معمول است. مطالعه نشان می‌دهد که هردو گروه مادها و پارسی‌ها پس از ورود به نجد ایران تحت شرایط اقلیمی این مناطق کم‌کم تغییراتی متناسب با شرایط جغرافیایی و فعالیت‌های اجتماعی در لباس خود ایجاد نمودند. گرچه لباس اقوام پارسی که در مراسم مورد استفاده قرار می‌گرفته آراسته به تزئیناتی است که به نوعی سلسله مراتب اجتماعی افراد اشاره دارد اما کارآمدی لباس مادی به خصوص به عنوان رزم جامه، کورش را بر آن داشت تا از آن برای سواره نظام خویش استفاده نماید.

واژگان کلیدی: ایران باستان، خوانش تصاویر، پوشاک، فرم و تزئین لباس، ماد، پارس

## ۱- مقدمه

فرم در لباس وابسته به اقلیم و نوع فعالیت بشر بوده و برای حفظ انسان از گزند عوامل طبیعی در طول زمان شکل می‌گیرد. گرچه لباس بعدها تحت ذوق و سلیقه استفاده‌کنندگان به تزئیناتی خاص مزین شده و در نهایت به‌عنوان یکی از عوامل فرهنگ تعبیر و تفسیر گردید. اما شرایط طبیعی، آب‌وهوا و فعالیت‌های روزمره، متغیرهای اصلی در فرم‌گیری پوشش اقوام هر منطقه به‌حساب می‌آیند. به نظر می‌رسد، مادها لباسی ساده و کاملاً کارآمد داشتند که بر اساس نیازهای روزمره آن‌ها و تحت شرایط اقلیمی و فعالیت‌های زیستی شکل گرفته بود. بر خلاف آن‌ها لباس قوم پارسی متنوع و دارای تزئیناتی مفصل است که به جنبه‌های فرهنگی اجتماع آن‌ها اشاره دارد. لباس مادی شامل: جبه، شنل، پیراهن، شلوار، تیاره (نوعی کلاه) و کفش است. همین لباس‌ها را با کمی تغییر در لباس پارسیان نیز می‌توان مشاهده نمود.

ظهور زرتشت پیامبر الهی باعث پیشرفت یگانه‌پرستی در میان آریان‌ها شد. اعتقادات مذهبی آریان‌ها، کوشش و تلاش به راستی و درستی را تشویق می‌کرد و دروغ را یکی از بزرگ‌ترین ارواح بد می‌دانست. (پیرنیا، ۱۳۸۵: ۳۱) همین آیین زنان را نیز محترم می‌شمرد و برای آن‌ها حقوق بسیاری در جامعه قائل بود. بر اساس شواهد باقیمانده در ایران باستان همانند مردان، زنان نیز گرامی داشته می‌شدند. جاشوا جی. مارک می‌گوید: «زنان در ایران باستان نه تنها از احترام فراوان برخوردار بودند، بلکه در بسیاری موارد با مردان برابر شمرده می‌شدند. زن ایرانی حق مالکیت زمین داشت، می‌توانست صاحب کسب‌وکار باشد، دست‌مزد برابر دریافت می‌کرد، آزاد بود که تنها سفر کند، و اگر عضو خاندان پادشاهی بود، می‌توانست برای مشورت در امور سیاسی با رایزنان تشکیل جلسه بدهد.» (Mark, worldhistory.org/trans/fa/,23/9/1400) این فرهنگ غنی و مبتنی بر مدنیت به خصوص تنوع مسئولیت‌های روزمره (چه برای مردان و چه زنان) بر تنوع لباس این اقوام مؤثر بود و باعث تنوع در تن‌پوش آن‌ها گردید که به خوبی در تصاویر به‌جای مانده از آن دوران دیده می‌شوند.

## ۲- روش تحقیق

تحقیق پیش رو از حیث هدف بنیادی- نظری و از حیث روش کتابخانه‌ای است و نتایج عموماً از طریق مطالعه تصاویر حاصل می‌شود. این تصاویر از منابع مختلف گردآوری شده و مورد خوانش و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. خوانش تصاویر برای کسب مطلب روشی معمول است که مبتنی بر فهم محقق در مواجهه دیداری با تصاویر است. این شیوه علاوه بر تسلط محقق بر سیر تاریخ اجتماعی، مبتنی بر تجربه فنی وی نیز هست که در خصوص شناخت مواد و رفتار آن‌ها در شرایط خاص دارد. افرادی چون تیلیا، کاکس، ضیاءپور، گیرشمن، شاپور شهبازی و ..... از این شیوه در مطالعه لباس استفاده نموده‌اند. نتایج این تحقیق منتج از استدلال‌های منطقی مبتنی بر مطالعه نظرات و گزارش‌های نویسندگان پیشین و خوانش تصاویر موجود توسط محقق است که تجزیه و تحلیل و در نهایت توصیف می‌شوند. هدف غایی در این مطالعه ارائه شناختی بهتر از نوع پوشش ایرانیان باستان به خصوص اقوام مادی و پارسی است. تلاش می‌شود تا آنجا که ممکن است ویژگی‌های لباس این مردم شناسایی و ارائه شوند.

## ۳- پیشینه پژوهش

در خصوص لباس ایرانیان نسبتاً مطالعات خوبی صورت گرفته است. اولین مطالعات به نظر می‌رسد توسط مستشرقین به انجام رسیده است که از آن جمله می‌توان به: رمان گیرشمن با انتشار کتاب «هنر ایران، ماد و هخامنشی منتشر شده در ۱۳۷۱، ویل کاکس، با انتشار کتاب تاریخ لباس، ۵۰۰۰ سال پوشاک زنان و مردان، به ترجمه شیرین بزرگمهر که در ۱۳۸۶ منتشر شد، کرتیس، با کتاب ایران کهن. ترجمه خشایار بهاری در ۱۳۷۸ و گروهی دیگر مانند دانکن هید، فریر، تیلیا، ..... محققین ایرانی نیز در این خصوص کم نگذاشته و تحقیقات قابل‌اعتنایی را منتشر نموده‌اند. پور بهمن (۱۳۸۶) پوشاک در ایران باستان. ترجمه هاجر سیگارودی، ذکاء (۱۳۴۲) جامه پارسیان در دوره هخامنشیان. هنر و مردم. شماره پانزدهم همچنین (۱۳۴۳). جامه پارسیان در دوره هخامنشیان. هنر و مردم. رحیمی (۱۳۸۵) تاریخ پوشاک ایران. انتشارات دانشگاه هنر تهران. شاپور شهبازی (۱۳۵۵) شرح مصور تخت جمشید. انتشارات بنیاد تحقیقات هخامنشی شماره ششم و نیز در (۱۳۸۹). راهنمای مستند تخت جمشید. انتشارات فرهنگ و هنر. ضیاء پور (۱۳۴۳) پوشاک باستانی ایرانیان از کهن‌ترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانیان. هنرهای زیبای کشور و پوشاک زنان ایران از کهن‌ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی. انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، عمیق‌ترین مطالعه را در خصوص لباس ایرانیان به انجام رسانیده است. علاوه بر این‌ها، غیبی (۱۳۸۷) در هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی. انتشارات هیرمند، گستره وسیعی از تاریخ لباس ایرانی‌ها را مطالعه و به جامعه علمی کشور ارائه نموده است. اکثر این محققین با نگاهی تاریخی سیر

تکاملی لباس را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و کمتر به چگونگی فرم گیری لباس‌ها توجه داشته‌اند. با این وجود این تحقیق به دنبال معرفی، تحلیل و مقایسه لباس ایرانیان مادی و پارسی است که در تصاویر مختلف مربوط به همان دوران ثبت و به ما رسیده است.

#### ۴- اولین حکومت‌های ایران

در عصر هخامنشی (ایی ریا) نام قوم ایرانی بود. کلمات آریا، آریائیان و ایران و امثال آن از این کلمه گرفته شده است. ایران فلات وسیعی است در آسیای جنوب غربی که شامل قفقازیه و ترکستان و افغانستان و ایران کنونی می‌شود. (دهخدا، فرهنگ لغات: ذیل واژه ایران) پیش از مهاجرت آریاییان به این منطقه اقوامی از نژادهای متفاوت با تمدن‌های مشابه در آن می‌زیستند که اطلاعات زیادی از آن‌ها در دست نداریم. از عیلامیان که حدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد در این منطقه می‌زیستند آثار متعددی به دست آمده است. مطالعه در گذشته ایران نشان می‌دهد که در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد مسیح، مردمانی از نژاد سفید از سمت شمال به نجد ایران وارد شدند، دسته‌ای از آن‌ها در ناحیه‌ای نزدیک دریای خوارزم که در اوستا ایرن واجه (ایران ویج) نامیده شده است ساکن شدند. این گروه به دودسته اصلی تقسیم شدند، دسته‌ای از این قبایل که خود را آری می‌نامیدند و آیرین خوانده می‌نامیدند بر دره سند در هندوستان کنونی مسلط شدند که «اری ورت» خوانده شدند و شعبه دیگر که آیری و آیرین خوانده می‌شدند، در نجد ایران سکونت گرفتند. گروهی از این اقوام به نام پارت‌ها در مناطق شمال شرقی ایران (خراسان و گرگان امروزی) ساکن شدند و گروه دیگری که ماد و پارس نامیده می‌شدند، با گذشتن از آذربایجان به سوی سرزمین‌های جنوبی حرکت کردند و در نهایت، مادها در نزدیکی همدان و پارس‌ها در استان فارس امروزی مستقر شدند و پس از غلبه بر اقوام بومی اولین پادشاهی ایران را بنیان نهادند. (رحیمی، ۱۳۸۵: ۸۳) «شاید کوروش از میان شاهان معدودی که حسن شهرت و نام نیکی از خود به یادگار نهاند، برگزیده‌ترینشان باشد. یکی از برجسته‌ترین ارکان حکومت و موفقیت وی در آن بود که می‌دانست دین از دولت نیرومندتر و پر بنیان تر است و به همین جهت نیز در شهرهایی که به وسیله وی گشوده می‌گشت سیاستی داشت بسیار ملایم و انسانی، نه به غارت و چپاول و اعمال خشونت‌بار دستور می‌داد و نه به ویران کردن معابد و پرستشگاه‌ها رغبت داشت. حتی مردم بابل که در آغاز در برابرش اندکی ایستادگی کردند، هنگامی که مرحمت و لطف و اعتقادش را نسبت به خدایان و معتقدات و رسوم و مذهب خود دریافتند، سخت گرمی‌اش داشتند». (رضی، ۱۳۸۴: ۲۹۴-۲۹۳) گرچه از آثار دولت ماد چیز زیادی در دست نداریم اما خوشبختانه همان مقدار اندک و نیز تصاویری که از دوران هخامنشی باقی مانده و اقوام مادی را به تصویر می‌کشند، می‌توانیم به‌عنوان اسناد قابل اعتنا استفاده نماییم.<sup>۱</sup>

#### ۵- پوشاک مادها

به نظر می‌رسد اقوام مهاجر ماد و پارس به محض ورود به فلات ایران تحت تأثیر هنر و تمدن مردم بومی قرار گرفتند و در نتیجه به لحاظ موقعیت جغرافیایی، و ویژگی‌های آب‌وهوایی و مسکن در این منطقه، مدل زندگی آن‌ها را مورد استفاده قرار دادند و از پوشاک و خوراک آن‌ها تقلید کردند. بر اساس نوشته فرشاد در این دوران صنعت بافندگی در ایران به اندازه‌ای پیشرفت کرده بود که قادر بودند با تارهای رنگین بافندگی کنند و با استفاده از فلز نقوشی زیبا بر روی پارچه‌ها ایجاد نمایند. (فرشاد، بی‌تا: ۲۸) در این دوران علاوه بر پشم گوسفند از موی نرم بز و شتر نیز در تهیه پارچه استفاده می‌شد. از آنجاکه مادها در شرایط اقلیمی سرد می‌زیستند لباس‌های گرم بر تن می‌کردند اما به زودی این لباس‌های گرم را با پیراهن‌های (تونیک) حاشیه‌دار و ردهای نژاد مغلوب عوض کردند آن‌ها اکنون علاوه بر پشم گوسفند، شتر و موی نرم بز، از ابریشم چینی که از طریق جاده ابریشم به ایران می‌رسید می‌توانستند جامه‌هایی زیبا بر تن کنند. به نظر می‌رسد پوشش سرخود را که کلاهی نرم با ویژگی‌های خاص بود به‌عنوان یک نشان قومی و قبیله‌ای حفظ کردند. پای‌پوش آن‌ها بر اساس منابع تصویری به‌جای مانده عموماً چکمه‌ای بسته از چرم با نوکی به عقب برگشته است. شلوار را باید مهم‌ترین ابداع ایرانیان دانست که بعدها لباس خاص آنان تلقی شد و هر دو جنس زن و مرد از آن استفاده می‌کردند.

۱- از تمدن دولت ماد آثار زیادی باقی نمانده و هیچ کتیبه‌ای که نشان‌دهنده خط و زبان آن‌ها باشد به دست نیامده، اما هم در کتیبه‌های آشور و هم در سنگ‌نوشته‌های هخامنشی وجود تمدنی در ماد محرز می‌شود. بعلاوه چند نمونه از آثار ماد باقی است که پایه تمدن آن را نشان می‌دهد. این آثار عبارت‌اند از مجسمه سیری از سنگ در نزدیکی همدان، صورت حجاری شده مردی بالباس مادی در دخمه‌ای نزدیک سریل ذهاب که اکنون آن را «دکان داود» می‌نامند، تصویر فروهر بر سنگ در بالای دخمه در نزدیکی صحنه، دخمه‌ای در دیران لرستان که اکنون آن را «اتاق فرهاد» می‌خوانند. پیکره حجاری شده مردی در حالت پرستش در دخمه کوچکی در ده «نو اسحاق وند» نزدیک کرمانشاه و تصویر شاه و روحانی در دو طرف مشعل آتش در قیز قاپان. علاوه بر این‌ها شهر همدان با هفت قلعه رنگارنگ و کاخی که در آن بوده نشان‌دهنده تمدن درخشان ماد است. (دهخدا، فرهنگ لغات: ذیل واژه ماد)

به‌طور کلی لباس مادها شامل پیراهنی کوتاه، شلوار، کلاه نمدی، کفش، کمربند و عموماً نوعی سلاح بود که همراه خود داشتند. مادها در هنگام سرد شدن هوا بالاپوشی به این مجموعه اضافه کردند این بالاپوش آستین‌دار بوده ولی به‌صورت شل مورد استفاده قرار می‌گرفت. (غیبی، ۱۳۸۷: ۸۱-۷۶) «لباس سنتی مادها، بالای زانو و با شلوار تنگ است که باشلقی نیز بر سردارند. جایی دیگر بر سنگ‌نگاره‌های آپادانا، جبه‌ای آستین‌بلند بر لباس سنتی مادها افزوده شده است.» (کرتیس، ۱۳۷۸: ۳۱) به‌طور کلی می‌توان گفت که: «پوشاک مادها عبارت است از یک پیراهن راسته آستین کوتاه که بلندی آن تا زانو بوده و به‌وسیله کمربندی محکم می‌شده است. پای‌افزاری بلند و سربندی سرخ داشته‌اند، طبقه ثروتمند از پوست یوزپلنگ که نماد اشرافیت بوده و طبقه کم‌درآمد پوست گوسفند بر دوش می‌افکندند.» (رحیمی، ۱۳۸۵: ۸۳) حاکمان سرزمین ایران هرگز از عادت اولیه خود (کوچ روی) دست برنداشته و همواره با آن زیسته‌اند. وجود پایتخت‌های زمستانی و تابستانی خود گواه این مدعاست. بر اساس نظر محققان ایرانیان اولین ملتی هستند که در تشکیلات نظامی خویش رسته سواره‌نظام را به وجود آوردند. مادها از اسب استفاده بسیار می‌بردند و در پرورش آن و سوارکاری مهارت خاصی داشتند. از این‌رو لباس مردان مادی می‌بایستی دارای ویژگی‌هایی باشد که به‌آسانی بتوانند از عهده این کار برآیند. وجود نیم‌تنه و شلوار به‌خوبی توجیه‌کننده این وضعیت زندگی آنان است. هوخشتره پادشاه ماد پس از به نظم درآوردن ارتش آن را به سه دسته تقسیم کرد: نیزه‌داران، کمانداران و اسب‌سواران. (غیبی، ۱۳۸۷: ۹۴) در نقش برجسته‌های سنگی آپادانا در تخت جمشید نمونه‌هایی از این سربازان را می‌توان ملاحظه نمود. یک سرباز مادی مجموعه کاملی از سلاح‌ها را داشت. سلاح‌ها بسیار مزین و اسب‌ها ملبس به زره‌های کار شده و لباس‌های قلاب‌دوزی شده بود. (پور بهمن، ۱۳۸۶: ۴۶) مهم‌ترین البسه نسبت داده‌شده به اقوام مادی در ادامه بررسی می‌شوند.

### ۵-۱- پیراهن (تونیک) مادی

بر اساس تصویر موجود، پیراهن مادی بسیار بی‌زینت و بلند است و تا روی زانو می‌رسد. آستین‌هایش از شانه تا میچ دست استوانه‌ای و گرد دیده می‌شود همچنین قطر آن به تدریج کم شده و سرانجام کاملاً تنگ می‌شود. کمربندی باریک که در جلو گره می‌خورد از ویژگی‌های آن است. (تصویر ۱)



تصویر ۱: راست، تخت جمشید، کاخ خشایار شاه پلکان غربی کاخ گروه خدمتگزاران، تصویر به‌خوبی گشادی دامن را به نمایش گذاشته که مانعی برای انجام وظیفه نیست. در این تصویر باشلق نمدی بسته‌شده و روی گوش‌ها و چانه را می‌پوشاند. منبع تصویر (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۱۹۶)

چپ، از هدیه آورندگان ارمنی با پوشش مادی که باشلقشان را نبسته‌اند یعنی طوری پوشیده‌اند که دنباله‌هایش از روی موی سر به پایین می‌افتد و چانه و رخسار را پنهان نمی‌سازد. منبع تصویر (شاپور شهبازی، ۱۳۵۵: ۴۳)

در حجاری‌های تخت جمشید یقه پیراهن به سه شکل «یقه‌گرد، یقه‌هفتی یا سه‌گوش و یقه چپ و راست» دیده می‌شود. تنگی و چسبان بودن یقه نشان می‌دهد که می‌بایست درزی بر سرشانه وجود داشته باشد تا امکان پوشیدن این لباس میسر گردد. احتمالاً این درز با بندینک‌های ظریف باز و بسته می‌شده است.

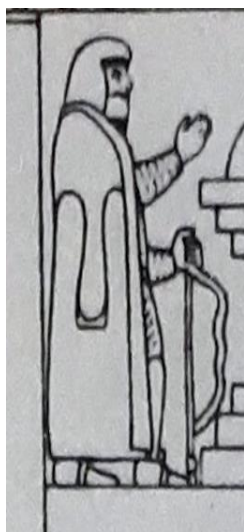
به نظر می‌رسد دامن پیراهن چندان گشاد نیست اما باین‌حال پاها در میان آن آزادانه حرکت می‌کرد. با توجه به این موضوع شکل عمومی پیراهن از زیر بغل تا پایین دامن به شکل زنگ و هرم ناقص تصور می‌شود. گشادی دامن پیراهن را در تصویر دیگری که در ورودی به کاخ آپادانا در تخت جمشید مشاهده می‌شود می‌توان ملاحظه نمود. در این تصویر پشت پیراهن در زیر کمربند دچار چین‌خوردگی شده است. پور بهمن معتقد است که این کمربند همیشه از جنس چرم بود و در پهلوی غلافی برای شمشیر و در جلوی آن غلافی برای کمان قرار داشت. (پور بهمن، ۱۳۸۶: ۴۱)

### ۵-۲- ردا (شنل) مادی

از دیگر پوشاک مادها ردا است که در نقوش برجسته تخت جمشید مشاهده می‌شود. ظاهر این ردا یا شنل به صورت یک‌تکه (مستطیل) است، در قسمت بالا دو بند تعبیه شده و بر دوش قرار می‌گیرد. در قسمت بالای ردا که روی شانه قرار می‌گیرد به وسیله چین‌های ریز و متعدد مقداری جمع شده تا بر شانه بنشیند این موضوع باعث می‌گردد که شنل در قسمت گوشه بالا به صورت منحنی درآید. (ضیاء پور، بی‌تا: ۲۰۵-۲۰۰)

### ۵-۳- جبه مادی

بر اساس تصاویر موجود، جبه‌ای به دوش مادی‌ها دیده می‌شود که بلندی آن تا حوالی مچ پا می‌رسد. سجاف پهنی بر دم آستین و سرتاسر کناره جبه تا پشت گردن دوخته شده و بر روی این سجاف پهن تکه‌ای دیگر از پوست (در تصاویر حجاری تخت جمشید) بر دور گردن دیده می‌شود. در پیش‌سینه، پوست‌نواری به منزله بندی آویخته‌اند که برای بستن پیش‌سینه‌ها در مواقع لزوم (جهت نگهداری لباس بر دوش) به کار می‌رفته است. (ضیاء پور، بی‌تا: ۲۰۱-۱۸۷) آستین در این شنل بر اساس مدارک موجود یک فرم نبوده و تفاوت‌هایی در آن‌ها مشاهده می‌شود.



تصویر ۲: راست، جبه مادی بر دوش یکی از نجبای مادی در تخت جمشید. منبع (R.W.Ferrier, 1989: 39)  
چپ، جبه مادی بر دوش یکی از نجبای این قوم در آرامگاه قزقایان کردستان. منبع (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۸۸)

این تفاوت را در دو تصویر که یکی مربوط به تخت جمشید و دیگری مربوط به قزقایان کردستان است می‌توان مشاهده نمود. (تصویر ۲)

### ۵-۴- شلوار مادی

بر اساس مستندات تصویری بجای مانده مادها از دو نوع شلوار استفاده می‌کردند که از حیث ساختار اندکی متفاوت بودند. یکی شلوار جوراب دار و دیگری شلوار رکاب‌دار. با توجه به تصاویر موجود به نظر می‌رسد جنس شلوارها متفاوت بوده و احتمالاً از جنس کتان یا چرم بوده است. جنسیت شلوارها به فراخور منصب پوشنده و یا شغل و موقعیت استفاده از آن تغییر می‌کرده است. بعضی از آن‌ها ساده و گروهی به وسیله تزیینات قلاب‌دوزی شده و نظایر آن تزیین می‌شده‌اند.

آنچه از نقوش تخت جمشید و پاسارگاد به دست می‌آید شلوارهایی است که دارای رکابی بوده که دقیقاً در زیر کف پا قرار می‌گرفت. (تصویر ۳)



تصویر ۳: راست، شلوار مزین به نقوش پرندگان به گزارش جلیل ضیاء پور از کتاب: پوشاک باستانی ایرانیان  
چپ، طرحی از شلوار رکاب‌دار مادی در تخت جمشید به گزارش Duncan Head از کتاب: ارتش ایرانی هخامنشی منبع  
([tarikhema.org/ancient/iran/mad/25/9/1400](http://tarikhema.org/ancient/iran/mad/25/9/1400))

به گزارش رحیمی، در میان اقوام فراوان که بر راه‌پله شرقی آپادانا نقش کرده‌اند کسانی دیده می‌شوند که شلوار و پای‌افزار مادی پوشیده‌اند و بر روی دست شلوازی به جهت پیش کش دارند. این شلوار از دم پا به جورابی وصل است که گویی یکسره دوخته شده است. (رحیمی، ۱۳۸۵: ۱۱۲)

#### ۵-۵- پا پوش مادی

ظاهراً مادها در بدو ورود به فلات ایران چکمه‌ای نوک‌برگشته با ساق بلند می‌پوشیدند که مخصوص مناطق برف‌گیر و علاوه بر آن برای اسب‌سواری مناسب بوده است. پس از اسکان یافتن مادها در سرزمین ایران کفش‌های آنان تغییرات خاصی کرد و تبدیل به کفش‌هایی با بندهای بلند گردید که به دور پا پیچیده می‌شدند. (تصویر ۴) در این تصویر که از گنجینه جیحون به دست آمده نمونه‌ای از چکمه‌های چرمی قوم ماد را می‌توان مشاهده کرد.



تصویر ۴: گنجینه جیحون شخصی که بر رسم در دست دارد. قرن هفتم تا ششم پیش از میلاد. موزه بریتانیا، منبع  
(گیرشمن ۱۳۷۱: ۸۵)

چکمه‌ای که تا زیر زانو بالا می‌آمده و به احتمال زیاد یکپارچه بوده است. در اینجا صاحب‌منصب مادی جامه‌ای نیم آستین با تزیینات فراوان در حاشیه و سرآستین‌ها بر تن دارد که به نظر بسیار ظریف و زیبا به صورت برجسته سوزن‌دوزی شده است. کلاه خاص مادی قرابت آن را با صف هدیه آورندگان مادی در تخت جمشید به خوبی نشان می‌دهد. نوع دیگر پا پوش مادها کفشی سبک و چالاک است. ویل کاکس می‌گوید: «کفش را از چرم نرم، به رنگ زرد و به شکل پا می‌ساختند، که تا مچ پا را می‌پوشانید و به وسیله دکمه و تسمه‌هایی که روی آن نصب شده بود، بسته می‌شد.» (ویل کاکس، ۱۳۸۶: ۹۱)

#### ۵-۶- کمر بند مادی

مادها از کمر بند در کاربردهای مختلفی از جمله نگهداری سلاح‌ها استفاده می‌کردند. بنا به گزارش غیبی دختران و پسران در سن پانزده سالگی موظف بودند کمر بند تبرک یافته‌ای (کُستی) را به کمر ببندند. (غیبی، ۱۳۸۷: ۹۲) موبد رستم شه زادی می‌گوید:

«کمر بستن گُستی نشان پیمان و بستن کمر به بندگی خداوند یکتا و آماده بودن به پیروی از دستورات اوست» (شه زادی، بی‌تا).  
 ۲۰: این کمربندها از چرم تهیه می‌شدند و با انواع فلزات قلم‌زده شده تزئین می‌شدند. در زیویه صفحه‌ای طلایی به‌دست آمده که  
 گیرشمن آن را منتشر نموده است. این صفحه طلایی بسیار تزئینی با ردیف سوراخ‌هایی که در دو طرف خود دارد به‌خوبی چگونگی  
 اتصال آن‌ها را بر روی چرم نشان می‌دهد. (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۱۱۱)

## ۵-۷- کلاه مادی

کلاه در میان مادها کارکردهای مختلف دارد. از یک‌سو در پوشش سر دارای اهمیت و ارزش خاصی است و از سوی دیگر به  
 نظر می‌رسد نمایشگر خصوصیات مذهبی، قومی و نژادی مادهاست. تنوع پوشش‌های سر که در نقش برجسته‌های تخت جمشید  
 موجود است نوعی بیان سلسله مراتبی در استفاده از این سرپوش‌ها را نشان می‌دهد. چنین به نظر می‌رسد که هر ساتراپ، با توجه  
 به جغرافیای محل مأموریتش، آرایش مو و کلاه به‌خصوص دارد. ساده‌ترین کلاه یک کلاه نمدی بدون لبه به شکل تخم‌مرغ است  
 که کاملاً به سر نمی‌نشیند. زیرا بالای آن با یک انحنا خیلی ملایم به جلو مایل شده سر را بزرگ‌تر جلوه داده و به پوشنده خود  
 ابهتی افزون می‌بخشد. این کلاه دنباله‌ای دارد که با یک دکمه به پشت آن وصل شده و انتهای آن تا بین دو کتف پایین می‌آید که  
 در نقوش تخت جمشید بر سر نگهبان‌های کاخ سه دروازه دیده می‌شود. رئیس تشریفات در صحنه بار عام داریوش، در کاخ خزانه  
 تخت جمشید نیز از آن استفاده کرده است. (تصویر ۵)



تصویر ۵: بار عام کورثش و به حضور رسیدن رئیس تشریفات. عکس از نگارنده

کلاه دوم، کلاه نمدی بی لبه بود و زبانه‌ای داشت که با دو قطعه جانبی تکمیل می‌گردید. این کلاه به دو حالت استفاده  
 می‌شد، یا پایین روی گوش‌ها کشیده می‌شد و یا در پشت سر توسط دو تسمه نازک بسته می‌شد. سومین کلاه نمدی که به نظر  
 می‌رسد ویژه اشخاص عالی‌مقام مادی بود، یک‌تکه بوده و روی سروگوش‌ها را می‌پوشاند و در قسمت جلو به‌صورت نوعی زیر  
 چانه‌ای بسته می‌شد. در عقب سر، روی شانه‌ها پایین آمده و جمع می‌شود. (پور بهمن، ۱۳۸۶: ۳۷-۴۰) نوع چهارم کلاه (باشلق)  
 مختص منطقه سغدیان بوده است. این کلاه از نمد یک‌تکه ساخته شده که تا روی پیشانی و روی گردن پایین می‌آید و در جلو با دو  
 تسمه باریک بسته می‌شد. (غیبی، ۱۳۸۷: ۸۸) آخرین کلاه مادی یک تاج نمدی است. این تاج قسمتی که طاق سر را می‌پوشاند،  
 به‌جای گرد نوک تیز و دارای یک حفاظ ضد باد است. به این منظور، یک قسمت از کلاه برگردانده شده که از یک طرف از زیر چانه و  
 از پشت پایین می‌آید و در پشت سر صلیبی را تشکیل می‌دهد. البته تصاویر بسیاری نیز از مادها در دست است که موهای خود را با  
 طنابی کوتاه می‌بستند. احتمالاً این افراد شغل دولتی نداشتند. این طناب نازک برای اینکه روی سر بماند، یا در عقب سر گره  
 می‌خورد و یا از زیر یکدیگر عبور کرده و محکم می‌شدند.

## ۵-۸- لباس زنان مادی

متأسفانه باید پذیرفت که اطلاع ما از پوشش زنان در این دوره بسیار اندک است. علیرغم وجود نقش برجسته‌های سنگی بسیار  
 از مردان در تخت جمشید، تصویری مربوط به زنان در این تاریخ مجسم و مصور ایران باستان دیده نمی‌شود. تنها نقوشی که  
 احتمال داده می‌شود تصویر زن بوده باشد نقش برجسته‌هایی است که در درگاه‌های اندرونی کاخ خشایار شاه دیده می‌شود. در این  
 تصاویر که قسمت اندکی از صورتشان از تخریب در امان مانده است، مویی دیده نمی‌شود (صورت بدون ریش) از این‌رو گمان  
 می‌رود که این تصاویر متعلق به کنیزان اندرونی باشد. در این تصاویر اختلاف خاصی بین لباس آن‌ها با دیگر نقوش برجسته دیده

نمی‌شود. سایر تصاویر متعلق به زنان نیز در دوران پیش از هخامنشی که به صورت اصنام مختلف دیده می‌شوند (مانند الهه برهنه تو رنگ تپه، رب‌النوع برهنه لرستان و مجسمه برنزی املش) عموماً پیکره الهه‌های رمزی بوده و برهنه می‌باشند. گرچه وجود جام نقره‌ای مروودشت که بانویی عیلامی را به نمایش می‌گذارد. اطلاعات ما از وضعیت پوشش زنان را در اواخر هزاره سوم قبل از میلاد توسعه می‌بخشد. این تصویر به خوبی پوشش کامل یک بانوی ایلامی را نشان می‌دهد که پیراهنی بلند با یقه‌ای گرد و بسته بر تن دارد. لباس با تکه‌دوزی‌های متعدد و بسیار زیبا تزیین شده است. این پیراهن بلند که تمام بدن حتی پاها را می‌پوشاند دارای آستین بلندی نیست. بالاتنه چسبیده و سرآستین‌ها به وسیله سجا فی پهن بسته می‌شود. این لباس با تکه‌ای شال مانند که روی دوش را کاملاً پوشانده و دارای دنباله‌ای بلند است، به دور کمر نیز تابیده و تا روی باسن می‌آید. کلاهی کوچک بر سر دارد که زبانه‌های آن از دو طرف تا روی گوش‌ها پایین آمده است. به نظر می‌رسد کلاه با نواری چرمین بسته شده تا بر سر استوار بماند. با توجه به محل کشف آن که بسیار نزدیک به تخت جمشید است. می‌توان آن را مبنایی برای لباس زنان در دوران هخامنشی دانست. این اثر با ارزش هم‌اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود. نمونه‌ای دیگر پلاک طلای مربوط به موزه بریتانیا است که شاهزاده‌ای هخامنشی را به نمایش می‌گذارد. یکی از نادرترین تصاویر مربوط به این دوران که پوشش زنان هخامنشی را به نمایش می‌گذارد. در این تصویر نمی‌توان تفاوتی فاحش بین لباس او با مردان هخامنشی قائل شد. از این رو گفته می‌شود. لباس زنان نیز همانند لباس مردان بوده با کمی تزیین که بر سر و گردن زنان افزوده می‌شده است. نمونه این تزیینات زنانه را در کتاب (هنر ایران، ماد و هخامنشی می‌توان مشاهده نمود).



تصویر ۶: راست، بانوی هخامنشی منتشر شده به وسیله The Trustees of the British Museum در 30 January 2020

چپ، جام عیلامی سیمین مروودشت، مربوط به اواخر هزاره سوم پیش از میلاد متعلق به موزه ایران باستان

یعنی همان پیراهن، شلوار، شنل، کفش و کمربندی که شرح داده شد. نمونه دیگر تندیس زنی است که رحیمی در نوشته خود به آن اشاره دارد وی معتقد است که: آثاری هم از این دوره به دست آمده که نشان می‌دهد زنان ماد پوشاک دیگری هم داشته‌اند نمونه آن تندیس گلی هزاره دوم پیش از میلاد است. پیراهن بلند با بالاتنه تنگ و یقه چهارگوش سجا دار و آستین‌های بلند که در آرنج جمع شده است. کمربندی روی این لباس قرار گرفته و در جلو گره خورده است و دو انتهای آن آویزان است. دامن بلند و فراخ است که در زیر زانو ریشه‌هایی به لبه آن دوخته شده است. کلاه بلند و لبه جلوی آن تزیین شده است و گردن‌بند با مهرهای نسبتاً درشت دور گردن قرار دارد. (رحیمی، ۱۳۸۵: ۱۲)

## ۶- پوشاک پارسیان

پارسیان با توجه به اقلیم زندگی خود لباسی آزادتر نسبت به مادها استفاده می‌کردند. شاید این موضوع به خاطر گرم‌تر بودن محل زندگی آن‌ها نسبت به مادها باشد. لباس پارسیان به واسطه چین‌ها و پیله‌های متعدد که در ناحیه کمر و آرنج داشت حرکت آزادانه دست‌ها و پاها را میسر می‌ساخت عموماً این لباس‌ها بدون شلوار پوشیده می‌شد. بلندی آن‌ها باعث می‌شد تا پاها در حالت عادی دیده نشوند. در تزیینات لباس پارسیان ذوق و سلیقه آن‌ها را به خوبی می‌توان دید که لباس این اقوام را منحصر به فرد نموده و در بین لباس‌های اقوام هم‌جوار به خوبی نمایان است. تنوع لباس پارسیان بسیار است و آن‌ها در مراسم مختلف از لباس‌های متنوع استفاده می‌کردند. بر اساس نوشته مورخان آنچه از تاریخ برمی‌آید کورش پسر کمبوجیه و یک شاهدخت مادی بود که ظاهراً بخشی از کودکی خود را در میان مادی‌ها نزد نیای خود سپری کرده و در این دوران از لباس مادی استفاده می‌کرده است. دو لت



هخامنشی که به وسیله کورش پایه‌گذاری شد به زودی گسترش یافت و از رود سند در هندوستان تا رود نیل و ناحیه بن قاضی در لیبی امروز، و از رود دانوب در اروپا تا آسیای مرکزی را در برمی‌گرفت. تمام مردمی که در این سرزمین پهناور می‌زیستند آزاد گذاشته شده بودند تا سنت‌ها و فرهنگ خود را محفوظ دارند و به آداب و رسوم خود زندگی بگذرانند. (شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۲) از این رو وقتی به جامه‌های موجود در نقش برجسته‌های تخت جمشید می‌نگریم تنوعی از لباس‌های مختلف را شاهدیم که بر قامت افراد مختلف دیده می‌شود. کورش ظاهراً در میان خویشاوندان و خانواده پارسی خود جامه چین‌دار و بلند پارسی با کلاه ترک‌دار بر سر می‌گذاشت و به آیین مردم پارس روزگار می‌گذرانید. گرچه به خوبی می‌دانست لباس مادها در سوارکاری و میدان‌داری و به خصوص پوشیدن شلوار آن، بر لباس پارسی ارجحیت دارد. کورش برای دست یافتن به آرمان‌های بزرگ خود می‌بایست آئین سپاهی‌گری و جنگاوری را به پارسیان بیاموزد. او به هنگام تشویق پارسیان به آموختن اسب‌سواری و سوارکاری دریافت که پارسیان با پوشیدن قبای دراز و در پا نکردن شلوار بلند در نشستن بر پشت اسب ناتوان‌اند و جامه قومی آن‌ها مناسب میدان کارزار و اسب‌سواری و چست و چالاک‌گی نیست. بلندی و فراخی و پرچینی قبای پارسی، نداشتن آستین و شنلی بودن بالاتنه قبای پارسی و نبودن شلوار بلند مانع سوارکاری و نشستن بر اسب می‌گردید. (ذکاء، ۱۳۴۳) پس نخست خود جامه مادی پوشیده و نزدیکان خود را نیز بر آن داشت تا جامه مادی به تن کنند. به گفته ذکاء، کورش پوشیدن جامه مادی را امتیازی قرارداد. و هرگاه یکی از پارسیان کاری انجام می‌داد که شایسته پادشاه بود، برایش جامه‌های رنگارنگ مادی به ارمغان می‌فرستاد. بدین‌سان نه تنها او را ناچار به پوشیدن جامه مادی می‌کرد، بلکه پوشیدن آن را نیز افتخارآمیز می‌نمود. ذکاء از قول هرودوت می‌نویسد: «گرفتن جامه مادی از دست پادشاه افتخار و پادشاه بزرگی بود». لذا جامه پارسی تبدیل به جامه تشریفاتی درباریان گردید و هرگاه مراسمی پارسی برپا می‌شد، از جامه پارسی استفاده می‌کردند. (ذکاء، ۱۳۴۲)

#### ۶-۱- بالا پوش جلوبسته (کندیس) پارسی

جامه سنتی پارس‌ها کندیز یا کندیس نام دارد. این جامه از پشم، کتان و یا ابریشم تهیه می‌شد. کندیس هخامنشیان لباسی بود با آستین‌های گشاد که در آن پیلی‌های منظم در پشت بازو بالاتر از آرنج، فرم بسیار زیبا و شکلی به آن می‌داد و در حرکت آزادانه دست به هر سو کاملاً کمک می‌نمود. دامن این لباس نیز هماهنگ با پیلی‌های آستین در جلو شکم، یا در پهلوها، در ناحیه کمر، چین می‌خورد و به شکل پیلی‌هایی منظم درمی‌آمد. تنها مردان بلندپایه اجازه داشتند کندیس بر تن کنند، این کندیس به رنگ بنفش مایل به آبی بود و تزئیناتی به رنگ سفید نقره‌ای داشت. درحالی‌که کندیس گروه‌های اجتماعی پائین تر سرخ‌رنگ بود. (کاکس و ترنر، ۱۳۸۶: ۵۴-۵۳) صف کمان داران دیوارنگاره‌های آجری لعاب‌دار قصر اردشیر و کاخ آپادانا در شوش کندیس پارسی به تن دارند. طرح و برش کندیس‌ها کاملاً یکسان است اما تزئینات، رنگ‌ها و آرایه‌های آن‌ها با یکدیگر متفاوت و بستگی تام به مقام پوشنده آن دارد. (تصویر ۷) لبه‌های تمام قسمت‌ها در کندیس دارای حاشیه پهن و تزئینی است.



تصویر ۷: سربازان جاویدان از دیوارنگاره‌های شوش باستان در لباس پارسی (کندیس) محل نگه‌داری موزه لور پارسی

این حواشی تمام اطراف لباس از دور گردن تا دو طرف بدن و دامن پرچین و لبه آستین گشاد آن را در برمی‌گیرد. این حاشیه عموماً با نقش‌مایه‌های رایج زمان چون گل رزت و بارنگ بندی مبتنی بر تضاد تیره و روشن آراسته می‌شد. در دیوارنگاره‌های کاخ شوش نقش‌مایه‌های روشن به رنگ سفید در زمینه‌های سبز و قهوه‌ای تیره دیده می‌شود. در خصوص کندیس پارس عقاید متفاوتی

وجود دارد. برخی بر این عقیده‌اند که این لباس یک‌تکه بوده و بعضی گویند که از دوتکه کاملاً مشخص تشکیل شده است. اما مطالعه دقیق تصاویر مختلف به‌جای مانده در شوش و تخت جمشید که هم از پهلو و هم از جلو این لباس را نمایش می‌دهند به‌خوبی نشان می‌دهد که لباس از دوتکه جدا و مشخص تشکیل شده است.



**تصویر ۸: بازسازی جامه داریوش بزرگ در تخت جمشید، تحقیق و ترسیم از: ژ. تیلیا، منبع (شاپور شهبازی، ۱۳۵۵: ۱۰۹)**

در تصاویر موجود در پلکان سه دروازه که منصب‌داران پارسی را نشان می‌دهد. تصاویر از روبرو نقش شده‌اند و به‌خوبی نمایان است که کندیس از دو قسمت کاملاً مجزا تشکیل شده است. قسمت بالایی تکه پارچه‌ای است با یقه‌گرد و گشاد که جلوش بسته است و با توجه به یقه‌باز آن به‌خوبی امکان به سر کشیدن و پوشیدن آن میسر است. این لباس شل گونه دست‌ها را تا مچ می‌پوشاند و در جلو بدن با قوسی طاق مانند تا بالای ناف بالا رفته و در پشت خنجر بسته‌شده به کمر که ظاهراً از ملزومات همراه منصب‌داران هخامنشی است، قرار می‌گیرد. خنجر معمولاً در غلافی قرار دارد که با کمر بند که در زیر شل و روی پیراهن بسته‌شده، استوار می‌ماند. این پیراهن دارای چین‌های بسیاری در پشت و جلو بدن است که از کمر شروع شده و باعث گشادی و راحتی دامن می‌شود. در برخی تصاویر مشخص است که پای افراد در زیر این دامن عاری از هر نوع پوششی است. پیراهن در بالاتنه چسبیده به بدن بوده و احتمالاً آستین‌بلندی نداشته است. این پیراهن چنانکه در تصویر موجود در پلکان کاخ سه دروازه مشاهده می‌شود دارای یقه‌ای به شکل (۷) است. دامن در محل اتصال به بالاتنه دارای تکه‌ای حائل است که به زیبایی و استواری لباس کمک بسیاری می‌کند.

به نظر می‌رسد چنانکه اشاره شد تزیینات در این لباس رمزی بوده و به جایگاه پوشنده آن اشاره دارد. در لباس باز طراحی شده داریوش توسط تیلیا به‌خوبی این موضوع نمایش داده شده است. حاشیه دامن و سردست‌ها در این لباس نقش شیر است که همواره در تزیینات شاهانه مورد استفاده بوده است. در متن لباس نیز از دو تزیین استفاده می‌شود یکی در قسمت روی دست‌ها و جلو کندیس و دیگری در پشت و قسمت‌های زیرین دست که یقیناً تنوع و زیبایی دوچندانی به لباس می‌داده است.

### ۲-۶- دامن پارسی

دامن بر دو نوع است. یک راسته چین و دو راسته چین. یک راسته چین دامن‌ای است که در جلوی بدن (محل ناف) یک راسته چین مرتب چهارتایی قرار می‌گیرد. پارچه دیگری به دو طرف راسته چین به‌صورت پیلی دوخته می‌شود. این تکه دورتادور نیم‌تنه پائین بدن را می‌پوشاند. دامن دو راسته چین مانند دامن یک راسته چین است ولی در جلوی بدن دو راسته چین چهار لائی دارد. تکه پشت در این مدل مانند دامن یک راسته چین است و یک‌تکه پارچه با چین‌های افقی (در جلو) بین دو راسته چین قرار می‌گیرد و فاصله دو راسته چین را می‌پوشاند. (ضیاء پور، بی تا ۷۲):

### ۳-۶- کمر بند پارسی

کمر بند پارسیان از جنس چرم بود که بر روی کندیس و روی شکم گره می‌خورد. (تصویر ۹) این کمر بند علاوه بر اینکه لباس را بر تن پوشنده استوار و راست نگه می‌داشت، غلاف خنجر را هم حفظ می‌کرد. (غیبی، ۱۳۸۷: ۱۲۵)



**تصویر ۹: منصب‌داران هخامنشی در جامه پارسی کندیس مربوط به پلکان کاخ سه دروازه در تخت جمشید. منبع (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۱۸۸)**

## ۶-۴- پاپوش پارسی

پاپوش‌های قوم پارسی از چرم ساخته می‌شد رنگ‌های زرد خنایی و ارغوانی مهم‌ترین رنگ‌هایی هستند که احتمالاً در این پاپوش‌ها استفاده می‌شده است. مطالعه نقوش برجسته سنگی در تخت جمشید و سایر نقوش برجای‌مانده از دوران هخامنشی چند نوع پاپوش را می‌نمایاند. ساده‌ترین کفش پارسیان از کفش مادی الهام گرفته شده است. این کفش از تکه‌ای چرم که توسط دو بخیه در پشت و جلو کفش دوخته می‌شد تشکیل شده است که سرتاسر کفش را فرامی‌گرفت. در نقش برجسته پاسارگاد کورش کبیر همین کفش‌ها را به پا دارد.



تصویر ۱۰: چکمه چرمی به‌دست‌آمده از چهره آباد زنجان مربوط به مرد نمکی، محل نگهداری موزه ایران باستان منبع (hamiyan-co.com/mehreparse)

داریوش صندل‌هایی به رنگ زرد زعفرانی می‌پوشید که کف آن‌ها توسط تسمه‌های دراز و باریک به پا بسته می‌شد. نمونه این صندل در نقش برجسته آجری میناکاری شده شوش به پای گارد جاویدان دیده می‌شود. نوع دیگر کفش پارسیان از قطعات متعددی تشکیل می‌شد از جمله: در بخش جلویی کفش، بندهای مزین به سه دکمه و محل عبور سه بند و سرانجام زبانه کفش که زیر آن پنهان می‌شد. (پور بهمن، ۱۳۸۶: ۶۷) ضیاء پور می‌گوید: کورش از کفش مادی که یک پاشنه درونی پنهانی داشتند خوشش می‌آمد. زیرا می‌توانست در داخل آن یک بلندی نامرئی قرار دهد تا قدش بلندتر به نظر برسد. (ضیاء پور، بی تا: ۷۵) در کاوش‌های معدن نمک چهر آباد زنجان چکمه‌ای در جوار (مرد نمکی) یافت شد که اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود. این نمونه پاپوش چکمه‌ای بنددار ساق بلند پوستی یا چرمی است که قدمت آن به اواخر دوره هخامنشی تا دوره اشکانی می‌رسد. (hamiyan-co.com/mehreparse/,30/9/1400) (تصویر ۱۰)

## ۶-۵- کلاه پارسی

کلاه مهم‌ترین بخش پوشاک ایرانیان باستان بوده است چون علاوه بر حفظ سروصورت، معرف جایگاه اجتماعی، موقعیت شغلی و احتمالاً بیانگر مذهب، نژاد و قومیت صاحب خود نیز بوده است. در نقش برجسته‌های تخت جمشید عموماً بر سر سربازان و بزرگان هخامنشی کلاهی ترک‌دار دیده می‌شد که از جنس نمد بوده و دارای بیست و چهار ترک است. در بعضی نقوش باقی‌مانده از هخامنشیان کلاهی از حیث فرم شبیه به کلاه پیش‌گفته وجود دارد که بدون ترک بوده و نمدی است. نمونه آن را بر سر طرح ارائه‌شده توسط تیلپا از داریوش بزرگ (تصویر ۸) می‌توان مشاهده نمود. خدمه سفره‌خانه و ملازمان شاه با شلق به سردارند که بسیار شبیه با شلق‌های مادی است. در صفوف تخت جمشید به‌خصوص در تصاویری که پارسیان و مادی‌ها به‌صورت یکی در میان ایستاده‌اند این مشابهت به‌خوبی دیده می‌شود. بر اساس نقش برجسته‌های تخت جمشید و دیوارنگاره‌های شوش، برخی پارس‌ها به‌جای کلاه، از نواری بلند و نمدی استفاده می‌کردند. این نوار گاه ساده و گاه پیچیده از دو یا سه نوار نازک‌تر است. به نظر می‌رسد فقط به جهت جمع کردن موها از پریشانی و شاید هم زینت بیشتر استفاده می‌شد. در پلکان آپادانا در تخت جمشید نوع پیچیده آن را می‌توان ملاحظه نمود. تاج‌هایی کوتاه و کنگره‌دار در برخی سکه‌ها و مهره‌ها و سنگ‌نگاره‌های دوره هخامنشی دیده شده که معمولاً از ورق طلا آراسته با گوهرهای گوناگون ساخته می‌شدند. لبه بالایی این نیم تاج‌های کنگره‌دار و تعداد دیواره‌ها و دندان‌های کنگره‌ها نیز متفاوت بود. (پور بهمن، ۱۳۸۶: ۷۰-۶۸) تنوع گردنبندها، پاندهای تزیینی و دستبندهای جواهرنشان یافت شده از این دوران که عموماً با انواع فنون رایج جواهرسازی همچون مرصع‌کاری و ..... تزیین شده‌اند گواه این حقیقت است که استفاده زنان از این لوازم زینتی باعث می‌گردید تا تفاوت عمده‌ای در پوشش زنان نسبت به مردان به وجود آید.

## ۷- نتیجه‌گیری

لباس در ایران باستان تحت تأثیر عوامل جوی و زیست‌محیطی و نیز نوع کاربرد آن در اجتماع شکل گرفته است. با توجه به این موضوع، به نظر می‌رسد اولین لباس‌های مهاجرین مادی و پارسی تحت تأثیر ساکنین اولیه سرزمین ایران شکل گرفته است. از آنجاکه باورها، اعتقادات و رسوم اجتماعی همواره بر شکل و تزیینات لباس مؤثر بوده‌اند، این تأثیر را هم در لباس اقوام ماد و هم پارسیان می‌توان مشاهده نمود.

لباس مادها نسبتاً تنگ ساده و با اندکی تزیین بوده و معمولاً با بندی چرمین به دور کمر بسته می‌شد. این مردم عموماً از شلوار استفاده می‌کردند. با توجه به خویشاوندی هخامنشیان با قوم ماد و رشد و نمو کورش در بین مادها لباس اقوام پارسی تأثیرات زیادی از لباس مادها پذیرفته است.

اقوام پارسی چون در مناطق گرم‌تر می‌زیستند از این‌رو لباس‌های آزادتر با دامن‌های پرچین و معمولاً بدون شلوار استفاده می‌کردند. تزیینات و رنگ‌ها در این لباس، نشان از ذوق و سلیقه والای این مردم دارد. به نظر می‌رسد نوع تزیینات لباس بیانگر مقام و جایگاه پوشنده آن باشد.

بر اساس سیاست‌های آزاد اجتماعی در امپراتوری وسیع هخامنشی، اقوام مختلف با حفظ فرهنگ پوشش خود لباس پوشیده و از این‌رو تنوع پوشش در لباس جامعه هخامنشی بسیار متنوع بود.

کلاه یا دستار سر افراد بیشتر نمادین بوده و نشانگر فرهنگ و سنت‌های هر قوم بود.

گرچه در خصوص لباس زنان در این دوران اطلاعات زیادی در دست نیست اما اندک اسناد تصویری به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که تفاوت چندانی بین لباس بانوان و مردان وجود ندارد. اما ممکن است لباس زنان از حیث تزیین غنی‌تر بوده باشند. به‌خصوص که پوشیدن گردن بندهای متنوع و رنگین در بین زنان این دوره بسیار رایج بوده است.

## منابع

۱. پور بهمن، فریدون (۱۳۸۶). پوشاک در ایران باستان. هاجر سیگارودی. انتشارات امیرکبیر. تهران.
۲. پیرنیا، حسن (۱۳۸۵). تاریخ ایران (قبل از اسلام). انتشارات نگاه. تهران.
۳. دهخدا، فرهنگ فارسی، نسخه الکترونیک
۴. ذکاء، یحیی (۱۳۴۲). جامه پارسیان در دوره هخامنشیان. هنر و مردم. شماره پانزدهم. انتشارات هنرهای زیبای کشور. تهران.
۵. ذکاء، یحیی (۱۳۴۳). جامه پارسیان در دوره هخامنشیان. هنر و مردم. فروردین. انتشارات هنرهای زیبای کشور. تهران.
۶. رحیمی، پری‌چهر (۱۳۸۵). تاریخ پوشاک ایران. انتشارات دانشگاه هنر. تهران.
۷. رضی، هاشم (۱۳۸۴). دین و فرهنگ ایرانی پیش از عصر زرتشت. انتشارات سخن. تهران.
۸. ریاضی، محمدرضا (۱۳۸۲). طرح‌ها و نقوش لباس‌ها و بافته‌های ساسانی. انتشارات گنجینه هنر. تهران.
۹. شه زادی، رستم (بی‌تا). دین و دانش و تعلیمات دینی (زرتشتی). انتشارات انجمن زرتشتیان. تهران.
۱۰. شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۵۵). شرح مصور تخت جمشید. انتشارات بنیاد تحقیقات هخامنشی شماره ششم
۱۱. شاهپور شهبازی، علیرضا (۱۳۸۹). راهنمای مستند تخت جمشید. انتشارات فرهنگ و هنر. تهران.
۱۲. ضیاء پور، جلیل (۱۳۴۳). پوشاک باستانی ایرانیان از کهن‌ترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانیان. هنرهای زیبای کشور. تهران.
۱۳. ضیاء پور، جلیل (بی‌تا). پوشاک زنان ایران از کهن‌ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی. انتشارات وزارت فرهنگ و هنر. تهران.
۱۴. غیبی، مهر آسا (۱۳۸۷). هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی. انتشارات هیرمند. تهران.
۱۵. فرشاد، مهدی (بی‌تا). تاریخ مهندسی در ایران. انتشارات بنیاد نیشابور
۱۶. کرتیس، جان (۱۳۷۸). ایران کهن. خشیایار بهاری. نشر کارنگ. تهران.
۱۷. گیرشمن، رمان (۱۳۷۱). هنر ایران. دوران ماد و هخامنشی. ترجمه عیسی بهنام. انتشارات علمی فرهنگی. تهران.
۱۸. ویل کاکس، روت ترنر (۱۳۸۶). تاریخ لباس (۵۰۰۰ سال پوشاک زنان و مردان). شیرین بزرگمهر. انتشارات توس.
۱۹. تصویر منتشرشده به‌وسیله موزه ایران باستان
۲۰. تصویر منتشرشده به‌وسیله موزه بریتانیا
۲۱. تصویر منتشرشده به‌وسیله موزه لوور پاریس
22. R.W. Ferrier, (1989). The Art of Persia. Yale University Press. New Haven & London
23. <http://worldhistory.org/trans/fa/2-1492/>
24. <http://hamiyan-co.com/mehreparse/> کفش
25. <http://tarikhema.org/ancient/iran/mad/>

# Introducing the clothes of the Median and Persian peoples by studying the remaining images of these peoples in art works

## Abstract

After nutrition and health, clothing has been the third concern and need of the man throughout history. Not only civilized societies but also primitive societies have tried to provide some type of cover that protects them from the natural elements. Studies have made it clear that people have always benefited from their clothing as a message that represents their beliefs and customs. The purpose of the article is to introduce the clothes of the Median and Persian peoples based in the plateau of Iran based on the pictures left by them and the possibility of influences on their clothes from each other. At the same time, the formal, decorative and symbolic features of their clothes are also expressed.

It seems that the main difference in their clothes is due to the influence of geographical factors and their daily activities. Studying the images left from the past is a method that guides us to the goal of study. (A study done by others or done by the author.)

This method of study has been done by different people over time and is common.

The results show that both groups of Medes and Parses after entering the plateau of Iran under the climatic conditions of these regions, gradually made changes in their clothes according to the geographical conditions and social activities.

Although the clothes of the Persian people, which were used in various ceremonies, seem to be more based on their cultural origins, but the efficiency of Medes clothing, especially as a battle dress, prompted Cyrus to use it for his cavalry.

